

## بحث و نظر

## کلافی به نام بیکاری در آمریکای کرونازده

در حالی که آمریکا در بحران بیکاری به سر می برد، اروپا تصمیم گرفته است تا در این بحران نیفتد

سامیون تیلفورد<sup>۱</sup> مدیر تحقیقات در فروم نیوایکونومی<sup>۲</sup>، در این مطلب با عنوان «آمریکا در بحران بیکاری به سر می برد، اما اروپا تصمیم گرفت در این بحران نیفتد»<sup>۳</sup> که در ۴ آوریل ۲۰۲۰ در تارنمای فارین پالیسی منتشر شده است، به شکاف میان اروپا و آمریکا در خصوص خط مشی نیروی کار در دوران پاندمی اشاره دارد و بر این نظر است که به زودی خواهیم دانست، کدام طرف کار درست را انجام داده است؛ با این حال، بر اساس شرایط موجود، هر چند اوضاع و احوال اقتصاد آمریکا بهتر بوده اما به نظرش، نظام سرمایه داری اروپایی در شرایط سالم تری قرار دارد.

اتخاذ نمایندند. بسیاری از کشورهای اروپایی، در حال کم کردن تأثیر این بحران بر بازارهای نیروی کار بوده اند. آن ها سیستم کورتساریت<sup>۴</sup> (کار کوتاه مدت) را به کار گرفته اند که کشورهای آلمان و اتریش، در انجام این اقدام پیشتاز بوده اند. در اصل، در این سیستم، تعداد ساعات کاری کارمندان شرکت کاهش می یابد تا نمایانگر کاهش تقاضا باشد و حقوق آن ها نیز به خاطر کم شدن ساعات کار، کمی کمتر می شود. اداره نیروی کار فدرال کشور، بودجه این سیاست را تأمین می کند؛ به بیان ساده تر، شکلی از اختصاص یارانه دستمزد است.

### اخراج کارگران از سوی آمریکا یا سرکار نگه داشتن آن ها توسط اروپا؟

کدام رویکرد احتمال بیشتری دارد که خسارت های اقتصادی بلندمدت را کمتر نماید؟ آمریکا

پاندمی<sup>۴</sup> ویروس کرونا به طرز شدیدی شرایط زندگی در اروپا و آمریکا را بر هم زده است. قرنطینه کردن افراد در خانه هایشان، باعث شده است تا آن ها نسبت به قبل، پول کمتری خرج کنند. غرب شاهد سقوط در مصرف بوده است که این مسئله، بقای تعداد زیادی از شرکت ها، از رستوران گرفته تا شرکت های هواپیمایی و سازندگان اتومبیل را تهدید خواهد کرد. همچنین، این اتفاق به نوبه خود یک کاهش ناگهانی و بی سابقه ای در تقاضا برای نیروی کار به وجود آورده است. آمریکا شاهد افزایش چشمگیر تقاضاهای بیمه بیکاری بوده است. در واقع، در طی دو هفته اخیر، ۱۰ میلیون نفر بیکار شده اند و قلمرو ناشناخته ای برای بازار نیروی کار به وجود آمده است و جای تعجبی ندارد که کشورهای مختلف، رویکردها و راهبردهای متفاوتی را برای مدیریت دست و پنجه نرم کردن با بحران افزایش بیکاری

1. Simon Tilford  
2. Forum New Economy  
3. America Is Having an Unemployment Apocalypse. Europe Chose Not to

۴. بیماری همه گیر

که با کاهش ناگهانی تقاضا برای کار، یکی از سریع‌ترین کاهش‌ها را در میزان استخدام به وجود آورد تا عرضه و تقاضا برای نیروی کار را متناسب سازد؟ یا رویکرد اروپا که تلاش می‌کند تا حد ممکن، کارگران و کارمندان زیادی را سرکار نگاه دارد؟ این مسئله تا حد زیادی به طول مدت این بحران بستگی دارد. آیا ما می‌توانیم به دنبال یک بهبود سریع وی (V) شکل و از دست رفتن فعالیت اقتصادی کمتری باشیم یا اینکه با رکود طولانی مدت تری و حتی چیزی شبیه به یک رکود مواجه هستیم؟

بسیاری از صاحب‌نظران، بهبود و بازگشت سریع آلمان به اوضاع عادی قبل از بروز بحران اقتصادی (سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹) را به دلیل سیستم کورتساریت می‌دانند. بیکاری در آلمان کمتر از کشورهای قابل مقایسه دیگر شد و شرکت‌های آلمانی توانستند، کارگران ماهر خود را حفظ کنند که این مسئله نیز به نوبه خود، به این معنا بود که آن‌ها توانستند با سرعت بیشتری به تقاضای جهانی (بعد از احیا) پاسخ دهند. بیشتر کشورهای اروپایی از قبیل فرانسه و انگلستان با ایجاد تغییراتی در رویکرد آلمان، آن رویکرد را در بحران کنونی اتخاذ کرده‌اند، آن‌هم با این امید که تأثیر بلندمدت این بحران در اقتصادشان را کاهش دهد. کورتساریت، با کشور آلمان و سایر کشورهای اروپایی

بسیار سازگار است. این کشورها بازارهای کار بسیار منضبط و مزایای بیکاری سخاوتمندانه (بالا) دارند. به‌عنوان مثال، برای کشورها بسیار گران تمام می‌شود که بخواهند کارگرهایشان را اخراج کنند، زیرا این فرآیند طولانی مدت است و آن‌ها باید برای بسته‌های حمایتی و جبران، پول زیادی پرداخت کنند؛ بنابراین، کسب و کارهای آلمان به صورت قابل درکی می‌خواهند تا از اخراج افراد بپرهیزند، به‌ویژه هنگامی که آن‌ها بر این باورند که به‌زودی کارگران خود را مجدداً بر سر کار خواهند آورد. دوم آنکه مزایای بیکاری بالا است و یک آلمانی که از قرارداد شغل دائم استفاده می‌کند و بیش از ۱۲ ماه کار کرده است، معمولاً مزایای بیکاری حدود ۶۰ درصد از ۱۲ ماه را دریافت خواهد کرد و برای کسانی که صاحب فرزند هستند، این رقم، به ۶۷ درصد افزایش می‌یابد. در نتیجه کاهش دستمزد می‌تواند یک گزینه مقرون به صرفه برای دولت باشد. هیچ سابقه‌ای از کورتساریت در آمریکا وجود ندارد؛ وقتی تقاضا برای نیروی کار کم می‌شود، تعداد کارگران نیز معمولاً به سرعت کاهش می‌یابد که این امر، نمایانگر یک سقوط است و هیچ‌گونه تلاش و اقدامی نیز برای پرکردن این شکاف از تقاضا برای نیروی کار انجام نمی‌شود. یک دلیل نیز این است که برای کشور آمریکا، ارزان‌تر و ساده‌تر است که

بخواهد کارگران و کارمندان را اخراج کند. دلیل دیگر نیز این است که مزایای بیمه بیکاری در آمریکا، از همان قدیم نسبت به مزایای بیمه بیکاری در بسیاری از کشورهای اروپای غربی کمتر است. تنها یک بخش کوچکی از کارگران و کارمندان اروپایی، تحت پوشش طرح‌های کورتساریت قرار گرفته‌اند. کارگران تمام‌وقت در شرکت‌های بزرگ که به‌طور نامتناسب، اغلب هم در بخش‌های تولیدی هستند. کسانی که در مشاغل غیر اتحادیه‌ای هستند، یا قراردادهای موقت کار بسته‌اند، تحت پوشش این طرح قرار نخواهند گرفت؛ اما طرح‌های کورتساریت به سرعت گسترش می‌یابند و اداره نیروی کار آلمان تخمین زده است که ۲/۴ میلیون کارگر نیز، به‌زودی تحت پوشش این طرح قرار خواهند گرفت. گزاره‌گویی نیست اگر بگوییم که بحران کنونی، یک شکاف قاره‌ای را در خط‌مشی بازار نیروی کار به وجود آورده است. در خصوص خط‌مشی بازار نیروی کار، انگلستان نسبت به سایر کشورهای اروپایی، معمولاً به آمریکا نزدیک‌تر بوده، اما اکنون یک برنامه دولتی تدوین نموده است که ۸۰ درصد از حقوق بخش خصوصی را می‌پردازد که این رقم، به بیش از ۳ هزار دلار در ماه می‌رسد.



### آیا تصمیم اروپایی‌ها درست بوده است یا آمریکا؟

پاسخ این سؤال، به طول مدت تعطیلی بستگی خواهد داشت. اگر ما احیای سریع اقتصاد را از سه ماهه سوم امسال (ماه جولای تا سپتامبر) شاهد باشیم، در آن صورت، احتمالاً رویکرد اروپایی موجه خواهد بود. افزایش بیکاری در اروپا، کمتر از ایالات متحده آمریکا خواهد بود، شرکت‌ها کارگران ماهر بیشتری را (همچنین وفاداری آن‌ها را) حفظ خواهند کرد که این شرکت‌ها، موقعیت بهتری برای افزایش سریع تولید خواهند داشت؛ مانند آلمان که در سال ۲۰۰۹، این کار را انجام داد. در مقابل، بیکاری در آمریکا بسیار افزایش یافته است و خانوارها

از خسارت‌های مالی بیشتری رنج خواهند برد. شرکت‌های بیشتری ورشکسته خواهند شد و توأمان، فشار بیشتری بر بخش مالی وارد می‌شود. همچنین، شرکت‌های آمریکایی با فرایند پرهزینه و زمان‌بر بازسازی نیروی کار خود، مواجه خواهند شد؛ اما اگر این تعطیلی‌ها طولانی‌تر شود و احیا نیز کند باشد، چطور می‌شود؟ این مسئله به راحتی اتفاق می‌افتد، چنانچه دولت‌ها مجبور باشند تا تعطیلی‌ها را برای مدت طولانی‌تری حفظ نمایند، سپس، فقط قادر خواهند بود که به تدریج شرایط را بهبود بخشند. همان مسئله‌ای که ظاهراً در مورد چین اتفاق افتاد.

به چندین دلیل، کورتساریت یک راهکار طولانی مدت نیست؛ نخست اینکه پرهزینه است. در کشورهایایی که مزایای بیکاری سخاوتمندانه دارند، ابتدا این هزینه‌ها قابل مدیریت هستند اما حتی در آلمان نیز این مزایای بسیار سخاوتمندانه بیکاری برای همیشه به طول نخواهد انجامید. دلیل دوم این است که هرچقدر کورتساریت به مدت طولانی‌تری ادامه یابد، نابرابری‌های اجتماعی بیشتری را شاهد خواهیم بود؛ آن کارگرانی که شغل تمام وقت داشته و در استخدام بخش‌هایی هستند که تحت پوشش این طرح قرار دارند، عمدتاً در طی این دوران، محافظت خواهند شد، حال آن‌که سایر کارگران

اوراق قرضه ۱۰ ساله آمریکا فقط ۷ درصد است. اگرچه این امر، بدون شک در درازمدت برای آمریکا ارزان تر خواهد بود، اما نمی توان گفت که این مسئله، افزایش تخصیص بودجه کشور برای برنامه های اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

### زخمه ایی که برپیکر اقتصاد آمریکا باقی می ماند

آمریکا نسبت به اروپا، سابقه بهتری در جهت دهی و سوق پول و کارگران به صنایع جدید دارد و دارای رشد سریع تری نیز است که این امر، حاکی از آن است که آمریکا الان هم می تواند از این بحران کنونی به شکلی بهتر از اروپا خارج شود؛ اما در سال های اخیر، سرعت نوآوری در اروپا کاهش یافته، رقابت کند شده است و بازارها متمرکزتر شده اند. اگرچه شکلی نیست که رهبری فناورانه با آمریکا است، اما از بسیاری جهات، به نظر می رسد که نظام سرمایه داری اروپایی در شرایط سالم تری قرار دارد. اگر فقط اروپا بتواند به سلامت از این بحران ویروس کرونا عبور کند، بی آنکه در منطقه شان تفرقه و آشوبی ایجاد شود، بازهم زخم های کمتری از آمریکا بر خواهد داشت.

#### منبع

این مطلب در ۴ آوریل ۲۰۲۰ در تارنمای فارین پالیسی منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:  
<https://foreignpolicy.com/2020/04/04/kurzarbeit-coronavirus-pandemic-america-unemployment-apocalypse-europe-not/>

تضمین دهند که مردم دسترسی همگانی به درمان و مراقبت های بهداشتی خواهند داشت، نسبت به کشورهایایی که این کارها را انجام نداده اند، احتمالاً به شکل نسبتاً بهتری از این بحران، بیرون خواهند آمد. دولت آمریکا حتماً، از کسب و کارها حمایت نکرده است، حال آنکه فدرال رزرو (همانند بانک مرکزی اروپا و بانک انگلستان)، برای جلوگیری از این بحران مالی، به سوی افزایش نقدینگی تلاش کرده و شتافته اند.

لایحه کمک مالی برای امنیت اقتصادی و جلوگیری از شیوع ویروس کرونا<sup>۳</sup> - که در پایان ماه مارس توسط کنگره تصویب شد - نیز پاداش و مزایای بیمه بیکاری و تعداد افراد واجد شرایط برای دریافت آن را افزایش می دهد؛ اما حتی پس از اعمال این تغییرات - که فشار مالی زیادی به ادارات کار آمریکا، وارد خواهد ساخت - بسیاری از اروپایی ها مزایای بیمه بیکاری و رفاه بیشتری خواهند داشت. مهم تر از آن، اروپایی های فقیر و فاقد شغل، دسترسی بهتری به خدمات درمان و مراقبت های بهداشتی خواهند داشت. دولت آمریکا می تواند با خرج کردن پول بیشتر، به راحتی به این موضوعات بپردازد. اکنون بیشتر از همیشه دنیا، دلاری خواهد و در حال حاضر، بازده

1. European Central Bank
2. Bank of England
3. Coronavirus Aid, Relief, and Economic Security (CARES) Act

- که بسیاری از آن ها فقیرتر هم هستند - با فشار مالی سنگین تری مواجه خواهند شد. دلیل سوم این است که هرچقدر این تعطیلی طولانی تر باشد، احتمال اینکه الگوهای مصرف و سرمایه گذاری نیز تغییر کنند، بیشتر خواهد بود و چالش پیش رو این نخواهد بود که ظرفیت تولید موجود را افزایش دهیم، بلکه باید منابع (سرمایه و نیروی کار) را به سمت صنایع جدیدتر سوق دهیم. در این شرایط، کورتسار بایت می تواند دستمزدها را بر هم بزند و مانع از تغییرات ساختاری لازم در یک اقتصاد گردد. برای مثال، این احتمال وجود دارد که تقاضا برای اتومبیل های آلمانی (حداقل مدل های گازسوز)، هرگز به خوبی از این بحران برنخیزند؛ بنابراین این مسئله می تواند حفظ مصنوعی تعداد نیروی کار در آن صنعت را بی معنا سازد.

اگر ما در یک تعطیلی طولانی مدت به سربریم و احیاناً نیز ضعیف باشد، سایر عوامل، تأثیر زیادی بر نحوه بیرون آمدن (خوب یا بد) اقتصادها از این بحران خواهند داشت و فقط مسئله طرح کورتسار بایت و اتخاذ کردن یا نکردن آن مطرح نیست. کشورهایایی که به خانواده ها تضمین نموده اند، می توانند اجاره منزل و وام مسکنشان را بپردازند و به میزان معقولی نیز مصرف داشته باشند و بدین وسیله، ورشکستگی های شرکتی را محدود نمایند. همچنین،